

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سروش

۱۰ دسمبر ۲۰۲۰

برنامه طالب سازی وزیرک طالبی معارف دولت مزدور از کودکان وطن

بر فطرت خود نازم وارسته ضمیرم من

آزاده برون آیم آزاده بمیرم من

محمد ابراهیم صفا

تاریخ شورانگیز این خطه باستانی از زمانه های قدیم در قلمرو وسیع آریانای کهن تا گستره خراسان دیروزی و پهنة افغانستان امروزی شاهد فراز و فرود و پیروزی و شکست های فراوانی با نظام ها و حاکمیت های طبقاتی بوده است. این تاریخ ناهموار نشان می دهد که در مقاطعی حاکمان این سرزمین بر دیگر خلق ها و ملل اعمال سلطه کرده، از حکام مطیع محلی باج و خراج ستانده؛ و یا به عکس، در برهه زمانی دیگر بر باشندگان این خطه سلطه دیگران اعمال شده است. در حال حاضر، در کشور اشغال شده ما بیش از هر دوره ای در تاریخ خونبارش، مردم رنجیده ما با محرومیت های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سلب کم ترین آرامش و امنیت لازمه زندگی اجتماعی شان، مواجه اند. مردم ما به طور عمده تحت ستم و جنایات هولناک امپریالیست های جنایتگستر و مزدوران خونخوار و شریر بومی شان در دولت مزدور و بیرون از آن قرار دارند. تداوم اشغالگری امپریالیسم، جنگ های تحمیلی طولانی، بیکاری، فقر شدید، غارت منابع و "کمک" ها، فساد گسترده، ترویج اعتیاد به مواد مخدر، ترور، انتحار و انفجار، محرومیت از حق تحصیل، کوچ اجباری با پیامد های ناگوار آن و ... جامعه و مردم بلاکشیده ما را روز تا روز در تحت سلطه جابرانه و خونین ستمگران و خون آشامان بیرونی و بومی زمینگیر کرده است. وضعیت کشور اشغال شده ما در حد بحرانی و به شدت با وحشت و دهشت و بازی های تبهکارانه و سازمان یافته اشغالگران، مزدوران دولتی و فاشیست های طالبانی، درآمخته و تاریک، مبهم و خونین است. چهره های ننگ تاریخ وابسته به نظام پوشالی مزدور در تبنانی با طالب و داعش و هر خونخوار ویرانگر دیگر هر چه در توان دارند، مزید بر چپاول و غارت، تجاوز به جان، مال و عزت مردم ما در این سرزمین اشغال شده انجام می دهند. الترناتیو های تعریف شده و شکست خورده یک هزار و چهار صد سال پیشین را با عقب مانده ترین افکار بنیادگرائی که محصول زرادخانه فکری امپریالیسم جنایت گستر و ارتجاع منطقه و بومی متحد شان است، در قرن بیست و یکم در عصر کامپیوتر ارائه می دهند و کشور ما را در تاریکی عمیق و جهالت دوران باستان و قرون وسطی فرو می برند.

دولت مزدور کابل در اوج استیصال و اوج نفرت عمومی مردم افغانستان، در ادامهٔ خیانت های خرد و بزرگ نوزده ساله اش، اینک دست به خیانت تازه ای زده است. این روز ها وزیرک پوشالی نام نهاد در پُست آموزش و پرورش "معارف" دولت مشارکتی مزدور طالب زدهٔ غنی - عبدالله با بی حیائی تمام و با تفکر و برنامهٔ طالبی در صدد ترویج آموزه های طالبی اش برآمده و طرحی را برای بازگشت به دوران جهالت پیشکش کرده است. طبق این طرح بغایت مسخره، زیانبار، خطرناک و ارتجاعی؛ آموزش و پرورش کودکان و نونهالان امروز و فردای کشور ما را از آغاز تا پایان صنف سوم از نصاب و روش درسی جدید، از مواد درسی، از علوم و فنون عصر حاضر محروم ساخته، علم، فرهنگ و معارف و خرد جمعی مردم ما را به بازی و تمسخر گرفته است. این مزدورک مرتجع استعمار در نقش یک طالب زن کاندید امریکای اشغالگر، در صدد آنست تا طبق نقشهٔ استعمار - ارتجاع با مغزشوئی کودکان ما در ایام کودکی، و پر کردن اذهان اطفال با خرافات مذهبی در محیطی به مراتب عقب مانده، تاریک و فساد پذیر؛ از آنان انسان های مطیع، قانع و سر به زیر به بار آورند.

آری این اعجوبهٔ خیانت و رقاصهٔ رباتیک مثل سائر سگان درونی و بیرونی ارگ به اشارهٔ دول متجاوز و مغرض خارجی و محافل تمویل کننده رقصیده و پس از طنزازی، دلربائی و خودفروشی برای اشغالگران امریکائی در ازای دریافت "گرین کارت" امریکا، یک روز از زیر پای "ان جی او" های دزد و رهن بر می خیزند، روز دیگر برای طالب مشق دلربائی می کند و شاید روزی عطر تنش از بستر داعش برخیزد. این سخنگوی بی معرفت و دانش ستیز طالبی و ملعبهٔ دست بیگانگان متجاوز، از آدرس وزرات به اصطلاح "معارف" دولت غدار و معارف ستیز خیانت ملی غنی مزدور، اعلام کرده که مساجد را وارد سیستم آموزشی رسمی کشور می کند و براساس این طرح مسخره و رسوا، شاگردان صنف اول تا سوم در مساجد محل زندگی شان درس خواهند خواند.

هدف این است که در سه سال نخست تعلیم و تربیه، با فرستادن اطفال به مساجد، ویروس هویت قوی بنیادگرایی اسلامی را در شاگردان ایجاد و پرورش داده و محوریت اسلام سلاخ را برای شاگردان ما برجسته سازند. این وزارت نامنهاد و وابسته به امر و نهی امپریالیسم متجاوز و دولت های بغایت مرتجع همجوار و منطقه، این جنایت و عقبگرد به سوی تاریکی و جهالت را ابلهانه یا شیدانه "تغییر مهم و بزرگ" دانسته و افزوده که این کار نیاز به یک برنامهٔ عاقلانه و اجرای تدریجی و گام به گام دارد. وزیر طالبی معارف افزوده که ساختار این وزارتخانه را تغییر داده تا اسلام سنتی جایگاه محوری را در سیستم تعلیم و تربیه داشته باشد.

هموطنان رنج دیده و مردم ستمکش ما که با خون، گوشت و پوست خود هر روز در برابر ستم های مضاعف و پایان ناپذیر نوکران رنگارنگ زرخرید اسلامیت امپریالیست ها قربانی داده اند، هر جرم و جنایتی را متحمل شده اند، اما این دیگر غیرقابل تحمل برای ملتی است که سرنوشت کودکان ما را مسئلهٔ ارضای دیوانه وار وارثان جاهلیت نوین و برنامهٔ استعمار فرهنگی امپریالیسم اشغالگر و ارتجاع متحد آن، می سازند.

مگر طی همین مدت اشغالگری نوزده ساله، دشمنان مردم افغانستان (امپریالیسم و محافل و منابع ارتجاعی) کشور های اسلامی ("نیودند که با ساخت و ساز حوزه ها و مراکز" جهالت پروری "به کمک دولت های مغرض در جلب و جذب کودکان و نوجوانان ناآگاه و محروم و بیچاره جامعهٔ ما، بیش از ده ها هزار جوان ما را تحت پوشش مذاهب سلفی، دیوبندی، وهابی، حنفی و شیعه به بیراهه کشیدند؟ مگر از آن ها لشکری از مزدوران و تقدیرشدگان سپاه صحابه، باند های تروریستی دانش ستیز، مکتب سوز، کتاب سوز و ضد زن؛ مجاهد، طالب، داعش، فاطمیون و ... را نساختند؟ مگر همین دار و دستهٔ بیگانه از جوهر انسانیت که هر یکی قرائت خود را ناب ترین قرائت "اسلام عزیز" می خواند و حکم تکفیر سائر قرائت ها و شمائل اسلامی را صادر می کند، همه روزه هموطنان در خون تپیدهٔ ما و خلق های بی دفاع

کشور های منطقه را در قتلگاه ها سر نمی زنند؟ مگر امپریالیسم اشغالگر و دول مرتجع ایران و ارتجاع حاکم دنیای عرب و سازمان های اطلاعاتی و شبه نظامی این دولت ها در جنگ تحمیلی و نیابتی از افغانستان تا جنگ سوریه، عراق، یمن و...، با خرید وجدان محتاجان با پول از طلبه گمراه و فاسد شده همین مدارس و مکاتب در خدمت منافع پلید تجاوزکارانه و توسعه جویانه و رقابتی خویش در ارتکاب جنایت در حق مردم عذابیده کشور های افغانستان، عراق، سوریه، لیبیا، یمن، ایران، جاری ساختن جوی خون خلق ها و تاراج هست و بود کشور ما و سائر کشور ها کار نگرفتند؟

مگر همین مدارس و مراجع نسل جوان کشور ما را با سلاح دین و مذهب آماده "شهادت" نساخته و با انتحار و انفجار توسط همین جوانان تخریب شده در مدارس و مساجد طالب سازی؟ در مکاتب، مساجد، شفاخانه، دانشگاه، بازار، جاده و کوی و برزن کشور ما جوی های خون هموطنان بی گناه ملکی شامل کودکان، زنان، مردان و جوانان متعلم و محصل اعم از دختر و پسر را جاری نساختند. این ها همه نتیجه و میوه تلخ (زقوم) این "جهالت پروری" استعمار و محافل ارتجاعی در کشور ما و منطقه است.

با پانزده هزار مرکز و فابریکه تولیدی طالب و داعش تروریست جانی و ده هزار لشکر و سپاه ویرانگر انتحاری کشور ما را به حمام خون مبدل نکردند؟ که کردند و باز هم قصد نسل کشی و قتل و غارت را دارند، و باز هم در جهت منافع امپریالیست ها با حمایت بی دریغانه شان دست از سر این ملت مظلوم بر نمی دارند. همین نیرو های اهریمنی حالا به فکر کودکان معصوم و مظلوم خلق بی دفاع و بی گناه ما افتاده و می خواهند علاوه از شکار محتاجان و ناآگاهان برای فابریکه های تروریست پروری شان، کودکان مکتب رو زحمتکش کشور را در محلات و روستا های افغانستان نیز شکار کنند تا بیشتر تولید کنند و سلاح های شان کشتار و خونریزی بیشتر کنند، و از همین کودکان به بهانه رفتن به مساجد، مکان های نامن و پایگاه های تشویق انسان کشی بسازند و به این جنگ چهل ساله و به اشغال کشور آبائی ما افغانستان و به غارت ثروت ها و گنجینه های آن ادامه دهند و یا از نو بپردازند.

همین جانیان و مزدوران بی آرم مربوط به ارتجاع جهادی بودند که طی چهار دهه از در رقابت با جلاخان و خودفروختگان استعمار روس (خلق و پرچم) به دلایل تعلقات مزدورمنشی و وابستگی استخباراتی، مذهبی، قومی، سمتی، به دول استعمارگر غربی و شرقی و ارتجاع بومی و منطقه، پای دو ابر دشمن بشریت را با متحدان شان در دو بلاک امپریالیستی به شمول پاکستان و ایران به این کشور بلاکشیده کشانده و به عنوان عوامل بومی استعمار - ارتجاع، زمینه ساز مداخله، تجاوز، جنگ، کشتار و ویرانی شدند. همین بنیادگرا های اجیر شده با فعالیت تخریبی و کشتار با استفاده از سلاح دین و مذهب از مدارس و مکاتب دینی دیوبندی تا وهابی، سلفی و قومی سربازگیری کرده و افغانستان عزیز را به سرزمین سوخته مبدل کرده و آن تعداد از خلق زحمتکش ما را که کشته نشده اند، گروگان گرفته اند.

آری، این طرح خائنانه در جهت تقویت باند های تبهکار جهادی، طالبی و داعشی بر سرنوشت خلق ما، تشدید جنگ های نیابتی و زمینه سازی برای غارت درازمدت داشته های وطن ما است. این طرح وزیرک کم سواد و طالب زن در رأس وزارت معارف مقدمه ایست برای طالبی ساختن سرپای جامعه و به ویژه نهاد های دولت خیانت ملی غنی - عبدالله و بالا تر از آن، تدارک برای سپردن سرنوشت خلق افغانستان بار دیگر توسط اشغالگران امریکائی - ناتوی به فاشیست ها و سلاخان خودفروخته طالبی. این طرح طالبی ساختن جامعه در میان اقشار مختلف اجتماعی جامعه ما، شدید ترین و گسترده ترین واکنش را در پی داشت که فکر آن در مخیله این وزیرک سفارشی "سازمان سیا" و اربابان امریکائی اش نیز نمی گنجید.

افغانستان عزیز مدت نوزده سال است که در اشغال مستقیم امپریالیسم بوده و به کشور بی‌صاحبی مبدل شده است. در چنین کشوری که مردم آن بنا به عوامل متعدد بازدارنده درونی و بیرونی، در حالت تشنگی و فقرت به سر برده و این مردم و نهاد های مبارزاتی آزادیخواه و انقلابی آن کوچک ترین نقش متحدانه جمعی برای رقم زدن حال و سرنوشت آینده خود و کشور شان از خود بروز نداده اند. هر چند تحریکات، تلاش ها و اعتراضات خودجوش و یا جدا از هم در جامعه وجود داشته و هنوز هم دارد، اما نیاز زمان (بی اثر ساختن بازی های استعماری و ارتجاعی بر سر سرنوشت جمعی ما، کوتاه ساختن دست تجاوز استعمار و به زیر کشیدن دار و دسته میهنفروش بومی از اریکه قدرت پوشالی) حکم می کند که این قطرات و جویبار های پراکنده خشم و اعتراض و این تلاش ها و کنش های ناپیوسته و ناهماهنگ، به رودبار واحد خروشان و توفنده ای بدل شود تا این کثافات استعماری - ارتجاعی را از ساحت کشور ما روفت و روب کند.

مرگ بر دشمن دانش!

مرگ بر دشمن وحدت!